

بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسأله‌ی حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز

دکتر فروغ‌السادات عریضی
دانشیار علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان
محمدرضا حسینی
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

دکتر رسول ربانی
دانشیار علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان
دکتر حمیدرضا وارثی
استادیار جغرافیا دانشگاه اصفهان

چکیده

هدف از نگارش این مقاله «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مسأله‌ی حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن در شهر اهواز» است. روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی و شیوه‌ی نمونه‌گیری آن، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. جامعه‌ی آماری این تحقیق را حاشیه‌نشینان شهر اهواز تشکیل می‌دهند که تعداد آنها در سال ۱۳۸۳، بالغ بر ۱۲۰۰۰۰ نفر بوده است و از آن تعداد، ۳۸۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند و از طریق پرسشنامه طراحی و اجرا شده است. نتایج پژوهش نشان داد که مهاجرت از محیط‌های کوچک روستایی و شهری اطراف به شهر اهواز، مهم‌ترین عامل ایجاد و گسترش مناطق حاشیه‌نشین می‌باشد که خود تحت تأثیر دافعه‌های اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی محل سکونت قبلی و جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی شهر بوده است. همچنین در بحث پیامدهای اجتماعی مشخص شد که بین شدت حاشیه‌نشینی و افزایش میزان محرومیت نسبی حاشیه‌نشینان رابطه وجود دارد که در نهایت باعث حاکم شدن فرهنگ فقر در منطقه‌ی حاشیه‌نشین شده است.

کلیدواژه‌ها: حاشیه‌نشینی، دافعه‌های اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی محل سکونت قبلی، جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی شهر، مهاجرت، محرومیت نسبی، فرهنگ فقر.

مقدمه

اجرای برنامه‌های نو استعماری در کشورهای در حال توسعه زیر عنوان برنامه‌های توسعه در راستای شکست ساختار اجتماعی و اقتصادی سنتی این‌گونه کشورها عمل کرده و به همراه خود، پدیده‌ی حاشیه‌نشینی را به ارمغان آورد.

پدیده‌ی حاشیه‌نشینی به‌مفهوم امروزی آن، در کشورهای پیشرفته‌ی جهان به وجود آمده و با صدور برنامه‌های اقتصادی این‌گونه کشورها زیرعنوان برنامه‌های رشد و توسعه در کشورهای

در حال توسعه گسترش یافت. پیامد رشد صنعتی کشورهای غربی، بروز مسایل و مشکلات اجتماعی فراوانی بود که یکی از آنها، حاشیه‌نشینی است. مناطق صنعتی فعال به عنوان قطب‌های جاذب جمعیت، به فراخوانی نیروی کار از نقاط مختلف کشور خویش و یا دیگر کشورهای جهان پرداخته و مازاد جذب‌نشده‌ی این نیروها را درسکونتگاه‌هایی نامناسب و یا سرپناه‌هایی سرهم‌بندی شده در نقاطی بخصوص از شهر گرد هم آوردند و در این راستا حاشیه‌نشینی چهره‌ی خویش را آشکار ساخت.

در ایران نیز جریان سریع شهرنشینی در چندین سال گذشته، حاشیه‌نشینی را به‌دنبال داشته و این پدیده‌ی در حال رشد، مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و زیست‌محیطی فراوانی را در اغلب کلان‌شهرهای ایران به وجود آورده است. واقعیت دیگری را نیز باید به‌عنوان عامل اساسی در رشد شهرنشینی جهان سوم علی‌الخصوص کشور ایران مورد توجه قرار داد و آن نرخ بالای مهاجرت از مناطق روستایی به شهرها می‌باشد. میزان بالایی از جمعیت شهرنشین کشورهای در حال توسعه ناشی از مسأله‌ی مهاجرت می‌باشد. اقشار کم‌درآمد ساکن در مناطق روستایی و شاغل در فعالیت‌های تولیدی سنتی به جهت در حاشیه واقع شدن این بخش و به منظور رهایی از فقر و بهره‌گیری از خدمات و امکانات، راهی شهرها می‌گردند و از اینجاست که شهر در حال توسعه‌ی فرهنگ دوگانه‌ای می‌یابد؛ جزیره‌ای ثروتمند و محصور در کمربندی سیاه از محرومیت‌ها و بدبختی‌ها. برای بررسی موضوع فوق تحقیقی پیرامون مسایل اجتماعی حاشیه‌نشینی در اهواز انجام گرفته است که به بعضی از مسایل آن پرداخته می‌شود.

طرح مسأله

شهر دارای یک آستانه‌ی جمعیتی است و هدف آن برآوردن نیازهای آن جمعیت است. رشد جمعیت‌شهری در کشورهای توسعه‌یافته، نظم نسبی یافته است، ولی این امر در کشورهای در حال توسعه به علت مهاجرت‌های بی‌رویه هنوز چندان سازماندهی نشده است. بعد از جنگ جهانی دوم یکی از مهمترین مسایل اجتماعی کشورهای در حال توسعه، رشد و توسعه‌ی شتابان و ناهمگون شهرنشینی بوده است. بدیهی است که این رشد انفجاری شهرنشینی و در پی آن پیدایش و رشد پدیده‌ی حاشیه‌نشینی، برآیند مهاجرت‌های مداوم داخلی، یعنی از روستاها به شهرها است که بازتاب اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی آن رشد گروه‌ها و جوامع حاشیه‌نشین است که در جاهای مختلف به شکل‌های گوناگون آلونک‌نشینی، زاغه‌نشینی، کپرنشینی و حلبی‌آبادها و... بروز می‌کند.

اهواز را که می‌توان یکی از کلان‌شهرهای ایران نام برد، همانند دیگر شهرهای کشور با معضلات و مسایل شهری همچون حاشیه‌نشینی، فقر فرهنگی، رشد ناموزون، افزایش جرم و

جنایت، بروز مشاغل انگلی و کاذب و غیره روبرو است. همچنین این شهر به علت گذراندن هشت سال جنگ ایران و عراق (۶۷-۱۳۵۹) و تأثیر آن بر شهر و بافت شهری با مسایلی فراتر از شهرهای دیگر نیز مواجه است. به طوری که یکی از عوامل مؤثر بر رشد و توسعه‌ی مناطق حاشیه‌نشین در اهواز همچون شلنگ‌آباد، حصیرآباد، کوت عبدا... و غیره را می‌توان ناشی از جنگ و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن دانست. این معضلات و مسایل شهری، شهر اهواز را از نگاه ناظر بیرونی بسیار نامطلوب و ناموزون جلوه می‌دهد و همچنین به عنوان موانعی در راه اجرای طرح‌های تفصیلی و جامع شهری به حساب می‌آیند.

توصیف محل تحقیق

تحقیق انجام شده در شهر اهواز مرکز استان خوزستان در جنوب غربی کشور انجام شده است. جمعیت شهر اهواز در سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۸۰۴۹۸۰ نفر بوده که از لحاظ تعداد جمعیت در رتبه‌ی هفتم و پس از شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز و کرج قرار دارد. این تعداد ۲۱/۵ درصد جمعیت کل استان و ۳۴/۴ درصد جمعیت نقاط شهری استان بوده است. در شهر اهواز مسأله‌ی حاشیه‌نشینی تابعی از روند حاشیه‌نشینی کل کشور می‌باشد. طبق تحقیقی که برای اولین بار در سال ۱۳۵۲ توسط محققین مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در مورد حاشیه‌نشینی در شهر اهواز انجام گرفت، نشان داد که آغاز حاشیه‌نشینی به دهه‌ی قبل از ۱۳۲۰ برمی‌گردد ولی در این دوره رشد کند و بطئی داشته است. لیکن در دهه‌ی ۱۳۳۰ بر ابعاد این مسأله افزوده شد تا اینکه در دهه‌ی ۱۳۴۰ و متعاقب اصلاحات ارضی و سیر مهاجرین روستایی بی‌زمین و کم‌زمین، حاشیه‌نشینی رشد شتابان به خود گرفت (نیرومند و حسینی، ۱۳۵۲: ۵۵).

وقوع جنگ هشت‌ساله‌ی ایران و عراق (۶۷-۱۳۵۹) و تخریب شهرهای خرمشهر و آبادان و انهدام صنایعی چون پالایشگاه نفت و تأسیسات مشابه و از کار افتادن صنایع و مراکز بزرگ اشتغال و تأسیسات بندری خرمشهر نیز باعث شد تا جمعیت این مناطق به شهر اهواز و سایر مناطق کشور مهاجرت اجباری نمایند. در این دوره، روستاهای حومه‌ای و نزدیک به شهر اهواز مانند عین‌دو، ام تمیر، شلنگ‌آباد، ملاشیه، کوت عبدا... و کوت‌سیدصالح نیز در جذب مهاجرین تأثیر بسزایی داشتند. اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ از لحاظ تاریخی تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زیادی را در استان خوزستان موجب گشته است و عامل مهم دیگر پیدایش نفت در استان خوزستان و از جمله در اطراف شهر اهواز و گران‌شدن قیمت آن در سال ۱۳۵۳ می‌باشد. در پی اصلاحات ارضی، بسیاری از کشاورزان زمین‌های خود را از دست دادند و راهی شهرها شدند. در این دوره شهر اهواز به دلیل تمرکز فعالیت‌های صنعتی و کارخانجات بزرگ که مراحل آغازین فعالیت‌های خود را طی می‌کردند یکی از مراکز عمده‌ی جذب

مهاجرت از نقاط مختلف استان بوده است. پیدایش حوضه‌های نفتی در اطراف اهواز و عبور لوله‌های نفت از شهر اهواز به دیگر استان‌ها، نیاز به کارگران ساده و متخصص و مهندسان افزایش یافت. این امر خود موجب مهاجرت این نیروها از دیگر مناطق به شهر اهواز شد. لذا در سال ۱۳۴۵ استان خوزستان یکی از قطب‌های مهاجرپذیر بوده است. بر اساس پژوهشی که در سال ۱۳۶۴ در مورد علت مهاجرت به شهر اهواز صورت گرفت، اکثر مهاجران (۷۶/۹)، علت مهاجرت خود را جنگ و پیامدهای آن عنوان کرده‌اند و ورود عده‌ی زیادی از مهاجران به شهر اهواز و حومه‌های اطراف آن، تقاضا برای مسکن را افزایش داده و با توجه به اینکه اکثر این مهاجران را افرادی تشکیل می‌دادند که سرمایه و ابزار معیشت خود را در جریان جنگ هشت‌ساله از دست داده بودند، لذا تعداد زیادی از این مهاجران به نقاط حاشیه‌ای شهر پناه بردند و این امر باعث شد که در طی گذشت زمان، کم‌کم سکونتگاه‌های حاشیه‌ای شکل گیرد. در زمان حاضر نیز شهر اهواز به دلیل مرکزیت استان و دارا بودن مراکز آموزش عالی، خدمات درمانی تخصصی، نیروگاه‌ها، مراکز صنعتی و تجاری پذیرای مهاجران وارد شده از سایر شهرها و آبادی‌های استان خوزستان و سایر استان‌ها بوده است به طوری که ۱۴ درصد جمعیت این شهر را در سال ۱۳۷۵، مهاجرین وارد شده طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ تشکیل می‌دادند و جذب مهاجران روستایی و شهرهای کوچک باعث ایجاد فشار بر امکانات موجود و گسترش مسایل شهری بخصوص حاشیه‌نشینی می‌شود (جهاد دانشگاهی خوزستان، ۱۳۸۰: ۸).

مفهوم حاشیه‌نشینی

با توجه به اشکال مختلف حاشیه‌نشینی و تنوع عوامل تشکیل‌دهنده‌ی آن، تعاریف مختلفی نیز از آن ارایه شده است که به‌طور مختصر به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

عده‌ای بر این باورند که حاشیه‌نشینان کسانی هستند که در سکونتگاه‌های غیرمتعارف با ساکنین بافت اصلی (شهر) زندگی می‌کنند، گروه‌های مزبور بیشتر بر اثر نیروی دافعه‌ی خاستگاه چون فقر و بیکاری و کمتر عوامل جاذب شهری، از زادگاه خود - روستا، ایل یا شهر - رانده شده و به شهرها روی آورده‌اند. از آنجا که اکثریت این گروه‌ها بی‌سواد بوده و مهارت لازم را جهت جذب در بازار کار شهر ندارند، عامل پسران شهری نیز آنها را از شهر رانده و به حاشیه کشانده است (منصوریان و آیت‌اللهی، ۱۳۵۶: ۲). به عبارتی منظور از حاشیه‌نشینان، کسانی هستند که در محدوده‌ی اقتصادی شهر زندگی می‌کنند و جذب نظام اجتماعی و اقتصادی شهر نشده‌اند» (زاهدزاهدانی، ۱۳۶۹: ۶) و خود شیوه‌ی جدیدی از زندگی را به وجود آورده‌اند که نسبت به سه شیوه‌ی رایج زندگی یعنی شهری، روستایی و ایلاتی متفاوت بوده و با ویژگی‌هایی اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود بافت فیزیکی معینی را به وجود می‌آورد (حسین‌زاده‌ی دلیر، ۱۳۷۰: ۶۴). بنابراین ویژگی‌های مناطق حاشیه‌نشینی عبارتند از: نارسایی

عرضه‌ی خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی (مجله جهاد، ۱۳۶۶: ۵). حاشیه‌نشین به مفهوم کلی، به کسی گفته می‌شود که در شهر سکونت دارد ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند (عابدین درکوش، ۱۳۷۲: ۱۲۱).

منطقه‌ی واحدهای مسکونی رو به ویرانی، فرسوده و با تجهیزات ناقص در حاشیه‌ی شهرها؛ تسلط فرهنگ فقر در منطقه؛ جدایی‌گزینی توده‌ای مردم روستایی از جامعه‌ی شهری؛ شهرک‌های چسبیده به شهر با مواد و مصالح کم‌دوام ساختمانی؛ گوشه‌گیری مردم منطقه از زندگی شهری؛ مهاجرت و سکونت‌بخشی از مردم روستاها در حاشیه‌ی شهرها؛ (شکویی، ۱۳۵۴: ۱). به طور کلی منظور از حاشیه‌نشین، خانواده‌های تهیدست و غالباً مهاجری هستند که به تعبیر آسکار لوئیس، در نوعی فرهنگ فقر زندگی می‌کنند. آنان به طور کامل جذب شیوه‌ی جدید زندگی شهری نشده و در حاشیه‌ی آن به زندگی ادامه می‌دهند (دراککس، ۱۳۷۷: ۱۲۱).

آنچه از تعاریف گوناگون برمی‌آید این است که حاشیه‌نشینانی در کشورهای در حال توسعه، غالباً از مهاجرین تشکیل می‌شود که بنا به علل مختلف، شهرهای بزرگ را هدف قرار داده‌اند، ولی به دلیل پایین بودن سطح مهارت‌های فنی و فقدان سرمایه‌ی کافی، قدرت ورود به متن اصلی شهر را نداشته و ناگزیر به پذیرش زندگی حاشیه‌ای شده‌اند. مکان‌گزینی این قبیل اجتماعات، اغلب در زمین‌های نامرغوب و یا اراضی حاشیه‌ی شهرها و به صورت غیرقانونی صورت گرفته است. فقر اقتصادی، پایین بودن سطح سواد و بالا بودن میزان جرایم و کمبود خدمات زیربنایی و مسکن بی‌دوام و خلق‌الساعه، از خصوصیات مشترک مناطق حاشیه‌نشین به‌شمار می‌رود. به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت که مناطق حاشیه‌نشین، محدوده‌های خاصی از شهرها هستند که به لحاظ شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی تفاوت آشکاری با سایر مناطق شهری دارند. در این پژوهش منظور از حاشیه‌نشینان کسانی هستند که تحت تأثیر هم‌دفاعی‌های اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی، زادگاه خود و هم‌جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی شهر، به شهرها روی آورده‌اند ولی به علت عدم مهارت از یک سو و عدم سرمایه و تحصیلات از سوی دیگر نتوانسته‌اند جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر شوند. این امر باعث عدم تمکن آنها شده است و آنها را به حاشیه رانده است و مجبور به سکونت در محله‌های ارزان شده‌اند.

حاشیه‌نشینانی و مسایل اجتماعی

از نظر جامعه‌شناسان بخصوص میشل فوکو، حاشیه‌نشینانی بازگوکننده‌ی وضعیت گروه‌ها و افرادی است که از حلقه‌ی فعال و اصلی یک جامعه رانده شده‌اند و به عنوان «دیگری» مورد

توجه قرار می‌گیرند. لذا در پیکره‌ی یک اجتماع انسانی شهری، ما شاهد وضعیت «زیست‌متنی» و «زیست حاشیه‌ای» هستیم. به عبارت دیگر گروه‌ها و طبقاتی که مسلط بر منابع کمیاب اجتماعی شهری‌اند به موقعیت «زیست در متن» دست می‌یابند و در حیات جمعی نقش سوژه‌گی ایفا می‌کنند. این خود مستلزم به حاشیه رانده‌شدگی گروه‌ها و طبقاتی است که در وضعیت «زیست در حاشیه» به سر می‌برند و در گستره‌ی فعالیت‌های شهری نقشی نیمه‌فعال یا غیرفعال دارند. به‌طور کلی می‌توان چنین گفت که مسایل اجتماعی خود ناشی از پیدایش وضعیت حاشیه‌نشینی - متن‌نشینی در نظام اجتماعی شهری است (ریانی و افشارکهن، ۱۳۸۱: ۱۳). در مناطق مهاجرپذیر و زاغه‌ای به علت تحرک زیاد و وجود هویت فردی از یک طرف و تماس چهره به چهره کم و عدم تسلط بر آداب و رسوم از طرف دیگر، انحراف در آنجا زیاد می‌باشد (دیکنز، ۱۳۷۷: ۶۷). از اینروست که حاشیه‌نشینی مترادف با آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است اگر چه حاشیه‌نشینان آسیب‌زا و منحرف نیستند ولی شرایط و موقعیت جغرافیایی ایجاب می‌کند تا برای منحرفین منطقه‌ی اخلاقی و فرهنگی خاصی ایجاد شود.

زندگی حاشیه‌نشینی و کنش متقابل اعضای آنها با یکدیگر عامل به وجودآورنده‌ی فرهنگ خاصی است که با فرهنگ حاکم جامعه تفاوت دارد. خرده‌فرهنگ زاغه‌ای از افرادی تشکیل یافته که کم و بیش مشکلات مشابهی دارند و ارتباطات آنها با یکدیگر، ارزش‌ها و گرایش‌های جدیدی را به وجود می‌آورد. بنابراین بسیاری از رفتارهایی که در فرهنگ حاکم جامعه، ناهنجار و یا انحرافی تلقی می‌شود در این مکان‌ها عادی می‌باشد.

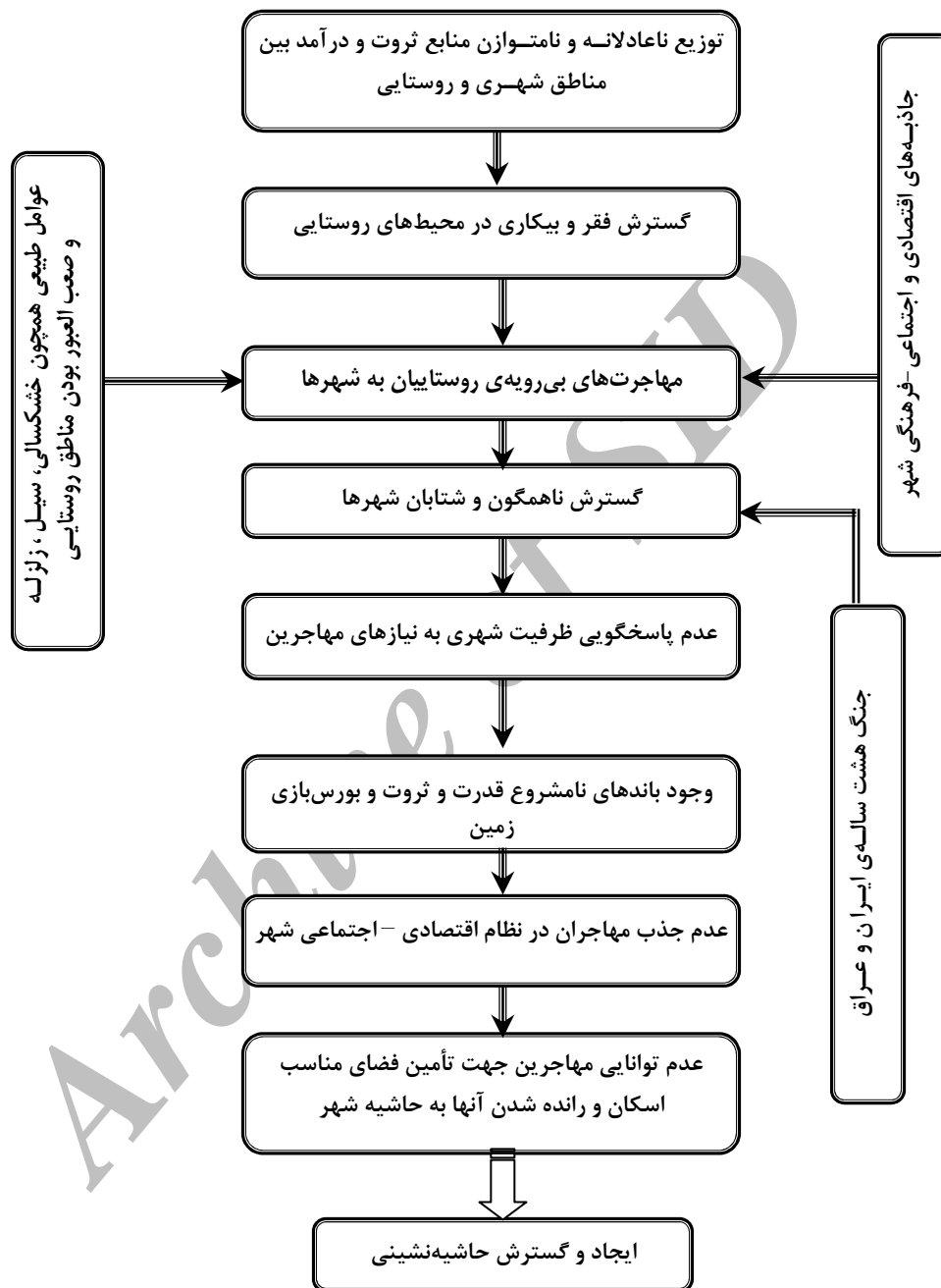
عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی

حاشیه‌نشینی به مثابه پدیده‌ای پیچیده بر بستری از تعاملات ناشی از تأثیر و تأثرات مؤلفه‌های متعدد بروز می‌کند که بعضاً تشخیص تقدم و تأخر آنها نسبت به یکدیگر دشوار است و ما را در دریافت و شناخت راه‌حل‌های مناسب برای برون‌رفت از این وضعیت با خطا مواجه می‌کند (مکچی، ۱۳۸۱: ۵۷). پارک با اشاره به برخوردهای فرهنگی و نژادی ناشی از مهاجرت، این پدیده را یکی از علل تحقق حاشیه‌نشینی قلمداد می‌کند: به زعم او یکی از عواقب روانی - اجتماعی مهاجرت آن است که فرد مهاجر (گرچه هم نژاد مردم جامعه میزبان باشد) در موقعیت جدید، خود را میان توقعات و ارزش‌های دو نظام فرهنگی موجود، پیوسته در تقلا و مبارزه می‌بیند و این شرط مبهم و گیج‌کننده موجب نوعی «ثنویت شخصیت» در او می‌شود، که خود معرف و وجه تمیز انسان حاشیه‌ای است (پارک، ۱۹۲۸: ۱۸۱).

به‌طور کلی حاشیه‌نشینی بر اثر رشد شهرها حاصل می‌آید. به این صورت که در مراحل اولیه رشد، مرکز شهرها محل سکونت افراد متمول و طبقه‌ی بالاست ولی کم‌کم با گسترش مناطق تجاری و صنعتی در این محل، آنهایی که وضع بهتری دارند از مرکز شهر به سمت

خارج حرکت کرده و دور از مرکز شهر زندگی می‌کنند. کارگران و گروه‌های فقیر و کم‌درآمد به این منطقه‌ی مرکزی می‌آیند و ساکن آن می‌شوند. از آنجا که مالکان اجاره‌ی کمی جهت تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها دریافت می‌کنند، این مناطق، شلوغ و خراب شده و به زاغه‌ها تبدیل می‌شود (کلینارد، ۱۹۶۶: ۱۸).

ما نیز در این پژوهش بر این باوریم که حاشیه‌نشینی معلول عوامل گوناگونی است که در وهله‌ی اول به توزیع ناعادلانه و نامتوازن منابع ثروت و درآمد بین مناطق شهری و روستایی برمی‌گردد و این خود باعث افزایش میزان فقر و گسترش بیکاری در محیط‌های روستایی می‌گردد. در نتیجه‌ی این دافعه‌ها، مهاجرت‌های روستاییان به شهرها شدت می‌گیرد. در اثر مهاجرت‌های گسترده و بی‌رویه به شهرها، شهرها از نظر توسعه حالت ناهمگون پیدا می‌کنند. البته لازم به توضیح است عوامل طبیعی همچون خشکسالی و غیره و حوادث سیاسی، اجتماعی همچون جنگ هشت ساله ایران و عراق نیز در روند افزایش مهاجرت به شهرها و توسعه‌ی ناهمگون آن تأثیر داشته‌اند. لذا مجموعه این عوامل باعث می‌گردد که توانمندی‌های شهری قادر به پاسخگویی به نیازهای مهاجرین نباشند و در کنار این عوامل باندهای نامشروع قدرت و ثروت و سوداگران زمین‌باز جهت جذب مهاجران شکل می‌گیرند و چون در ساخت و سازها، نظارتی وجود ندارد روز به روز فعالیت این عده گسترده‌تر می‌شود. در نتیجه این عوامل مهاجران تازه‌وارد نمی‌توانند در نظام اجتماعی-اقتصادی شهر جذب شوند و این خود باعث می‌شود که آنها نتوانند فضای مناسبی جهت سکونت خود در جاهای متعارف شهری به‌دست آورند. در نتیجه آنها به نقاط حاشیه‌ای شهر رانده می‌شوند و این باعث می‌شود که روز به روز بر ابعاد و وسعت مناطق حاشیه‌نشین افزوده شود. جهت روشن‌تر شدن «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی» مدلی در صفحه‌ی بعد ارائه شده است.



منبع: نگارندگان

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در اهواز

مهمترین پیامدهای حاشیه‌نشینی: فرهنگ فقر، محرومیت نسبی

موضوع «فرهنگ فقر» نخست در سال ۱۹۵۹ توسط اسکار لوئیس، در تحقیقی که پنج خانواده مکزیکی را با یکدیگر مقایسه می‌کرد عنوان شد و سپس در کتاب «بچه‌های سانچز» مطرح گردید و در مقدمه‌ی کتاب «ویدا» که داستان زندگی یک خانواده‌ی پورتوریکویی در دو شهر سان‌ژوان و نیویورک بود، به صورت یک نظریه درآمد (لابن، ۱۳۵۹: ۹۴).

مفهوم نظریه‌ی فرهنگ فقر این است که فقر تنها نداشتن درآمد کافی نیست، بلکه شیوه‌ای از زندگی است که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. برخلاف نظریه‌ی اقتصاد سیاسی که به دنبال عوامل ریشه‌ای فقر در ساختارهای بزرگ‌تر جامعه می‌گردد، فرهنگ فقر، فقر را معلول دیدگاه‌های ذهنی خود افراد فقیر شهری می‌داند (رضوی، ۱۳۸۲: ۲۴).

به گفته‌ی پورتس (۱۹۷۲)، این نظریه «وضعیتی را نشان می‌دهد که در آن مردم در دام محیطی اجتماعی گرفتار آمده‌اند که ویژگی‌هایش بی‌تفاوتی، تسلیم شدن به سرنوشت، نبودن آرمان‌های والا، نگرانی و همزمان با آن استقبال از رفتار بزهکارانه و تأیید آن است» (گیلبرت و گاجر، ۱۳۷۵: ۱۹۲). در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که این چنین فقری در زمان ما نیز وجود دارد و این فقر، حاشیه‌نشینی مردمی است که فاقد امکانات بقاء نیستند اما پایگاه و قدرتش را از دست داده‌اند و چنان بیرون از جامعه زندگی می‌کنند که نام و نشانی هم ندارند. اینها واقعاً مردمی هستند که از پس‌مانده‌های جامعه روزگار می‌گذرانند.

محرومیت نسبی

مفهوم محرومیت نسبی را اولین بار در دهه‌ی ۱۹۴۰، نویسندگان کتاب «سرباز امریکایی» به کار بردند. آنها از این مفهوم برای نشان دادن احساسات فردی استفاده می‌کنند که فاقد منزلت یا شرایطی است که به اعتقاد خویش باید داشته باشد معیار چنین شخصی مراجعه به داشته‌های اشخاص یا گروه‌های دیگر است (گر، ۱۳۷۷: ۵۴).

«هولندر» معتقد است که این محرومیت زمانی اتفاق می‌افتد که مردم:

- به چیزی میل کنند که آن را ندارند.

- خود را مستحق به دست آوردن آن بدانند.

- به خاطر ناتوانی در تملک آن، خود را مقصّر ندانند (هولندر، ۱۳۷۸: ۳۸۳).

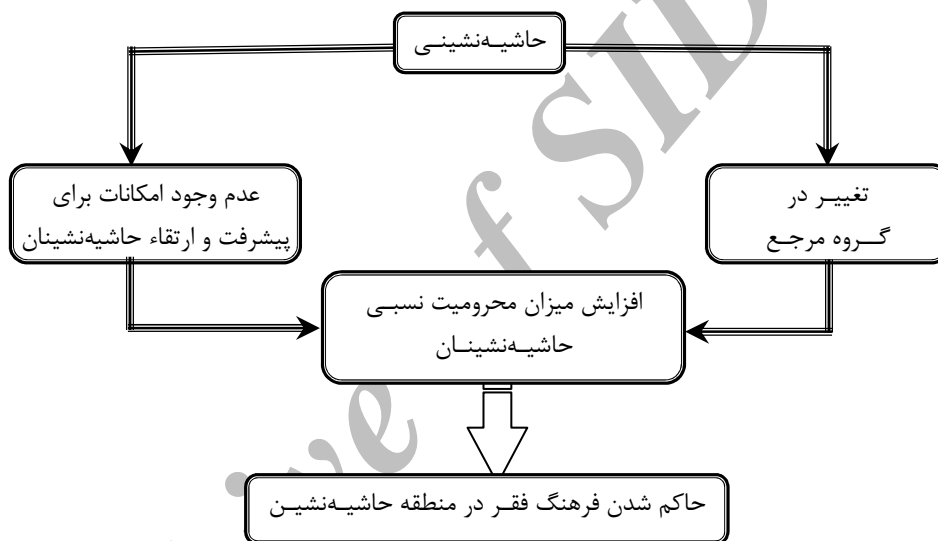
شایسته ذکر است که بیش از یک میلیارد نفر از ساکنان شهرهای جهان در مسکن نامناسب زندگی می‌کنند. در کشورهای در حال توسعه، بیشتر این افراد در مناطق حاشیه‌نشین محروم و سکونتگاه‌های غیرقانونی ساکن هستند. شهرها جهت بهبود بخشیدن به شرایط زندگی از امکانات و تسهیلات فراوانی برخوردار می‌باشند. اما این امکانات و تسهیلات میان اقشار مختلف به‌طور مساوی تقسیم نشده و شهرها به بخش‌های دارا و ندار (ساکنان داخل شهر و

حاشیه‌نشینان) تقسیم می‌گردند و هر قشری دارای روش‌های متفاوت زندگی می‌باشد. فساد مالی، شفاف و واضح نبودن برخی از امور، عدم مسئولیت‌پذیری، تمرکزگرایی نامناسب، برنامه‌ریزی ضعیف و خدمات‌رسانی نامطلوب از جمله عواملی هستند که می‌توانند منابع را از دسترس قشر فقیر و نیازمند جامعه خارج کرده و در اختیار افراد ثروتمند و متمول قرار دهند (هادیزاده، ۱۳۸۲: ۲۳۵). از نظر تدا رابرت‌گر محرومیت نسبی زمانی به وجود می‌آید که فردی چیزی را مشاهده کند که خودش ندارد اما دیگری دارد و آن فرد مایل است که آن چیز را داشته باشد (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۴۴) و در تعریف مفهومی، محرومیت نسبی عبارت است از اختلاف منفی میان انتظارات مشروع و واقعیت (گر، ۱۳۷۷: ۵۴).

از نظر گر، هر چه امکانات پیشرفت و ارتقاء در افراد و گروه‌های مرجع دیگر (یعنی در گروه‌هایی که انسان خود را با آنها مقایسه می‌کند) بیشتر باشد، انتظارات انسان‌ها بیشتر می‌شود و یک نوع احساس بی‌عدالتی نسبی به وجود می‌آید. در ضمن هر چه امکان دستیابی به ارزش‌های مورد نظر یا ارتقاء اجتماعی کمتر باشد، نیز محرومیت نسبی افزایش پیدا می‌کند (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۴۵). بنابراین شرایط زندگی در مناطق حاشیه‌نشین به‌صورتی است که سبب به وجود آمدن شرایط فرهنگی خاصی برای آنان می‌شود، به‌طوری که از یک سو فقر فرهنگی و مشکلات مالی و از سوی دیگر دیدن زندگی شهرنشینان که از امکانات امروزی بهره‌مند هستند، سبب ایجاد نارضایتی عمیق و گسترش محرومیت نسبی در میان این اقشار جامعه می‌شود.

این امر گاهی می‌تواند همچون بشکه‌ی باروت برای ایجاد آشوب‌های اجتماعی عمل کند (برآبادی، ۱۳۸۱: ۴۹). لذا اعتقاد به پیشرفت و داشتن یک زندگی بهتر در میان حاشیه‌نشینان و مهاجرین روستایی که برای کسب درآمد بیشتر به شهرها روی آورده‌اند، باعث می‌گردد گروه‌های مرجع آنها کسانی باشند که از وضعیت بهتری برخوردار هستند، اما چون شرایط حاکم، امکان دستیابی به چنین موقعیت‌هایی را برای همه فراهم نمی‌کند، احساس محرومیت نسبی در میان گروه‌های فقیرنشین شهری افزایش پیدا کرده و زمینه‌ی نارضایتی اجتماعی را در میان آنها به‌وجود می‌آورد و به تدریج گروه مرجع در میان این گروه تغییر پیدا کرده و به سوی اهدافی که دستیابی به آنها ساده‌تر ولی نامشروع می‌باشد، سوق پیدا می‌کنند و به تعبیر مرتون تناسب میان ابزار و اهداف از بین می‌رود و این موضوع نخست باعث افزایش میزان محرومیت نسبی و سپس باعث گسترش رفتارهای ناهنجار اجتماعی در میان این قشر از جامعه می‌گردد. این مسأله در نخستین نسل حاشیه‌نشینان کمتر مشاهده می‌شود. اما فرزندان این نسل در محیط شهری پرورش می‌یابند و هدف‌ها و آرزوهای شهری جذب می‌کنند و برای تحقق آرزوهایشان نخست به فعالیت‌های غیرقانونی و سپس به کنش‌های ناهنجار روی می‌آورند.

مجموعه‌ی این عوامل تنها به تولید و نهادینه شدن فرهنگ فقر می‌انجامد. فرهنگ فقر، از یک سو وسیله‌ای برای فرد حاشیه‌نشین تا با محیط و فضای خود سازگار شود و از سوی دیگر به قول اسکار لویس، واکنشی است که انسان فقیر در برابر بی‌ارجی خود نسبت به جامعه‌ی بزرگ‌تر بروز می‌دهد. این فرهنگ و روش زندگی، نشانه‌ی کوشش انسان‌های فقیر برای مقابله با نومییدی است. نومییدی از دانستن این واقعیت که کسب موفقیت در زمینه‌ی ارزش‌ها و هدف‌های جامعه‌ی بزرگ‌تر برای آنها نه محال بلکه تقریباً ناممکن است.



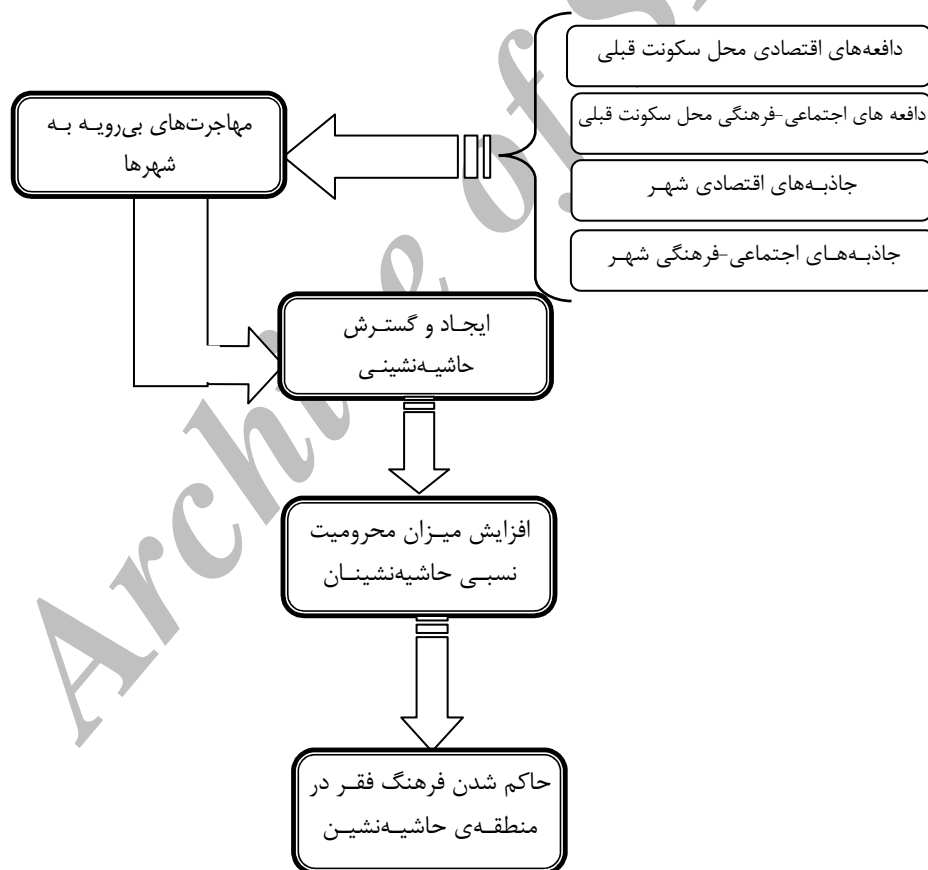
منبع: نگارندگان

تأثیر حاشیه‌نشینی بر افزایش میزان محرومیت نسبی

مدل نظری

حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که بعد از انقلاب صنعتی همراه با توسعه‌ی شهرها در کشورهای پیشرفته و سپس در ممالک در حال توسعه از جمله ایران گسترش بیشتری یافته و در حال حاضر نیز ادامه دارد. در ارتباط با علت‌یابی و شناخت زمینه‌های حاشیه‌نشینی، نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است. این نظریه‌ها، اگرچه تا حد زیادی ناشی از وجوه مختلف حاشیه‌نشینی است، لیکن تعلق صاحب‌نظران به دیدگاه‌ها و مکاتب فکری گوناگون، سهم مهمی در این امر دارد. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت: مهمترین عاملی که در رابطه با شکل‌گیری حاشیه‌نشینی مد نظر اکثر صاحب‌نظران می‌باشد، مهاجرت از محیط‌های کوچک شهری و روستایی و ایجاد مناطق حاشیه‌نشین می‌باشد. در این پژوهش با تأکید بر دیدگاه‌های رابرت

پارک، پل میدوز، ایورت استونکویست، آندره گوندرفرانک و مانوئل کاستلز مهمترین عامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی، یعنی مهاجرت، بررسی شده است. در ارتباط با مقوله‌ی مهاجرت نیز نظریه‌های متعددی در بخش مربوط به نظریه‌های مهاجرت ارائه شد. دیدگاهی که در این پژوهش در ارتباط با علل مهاجرت مد نظر ما می‌باشد، دیدگاه اورت اس. لی می‌باشد که به تئوری عوامل جاذبه و دافعه معروف است. به طوری که بر اساس این دیدگاه، دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های شهری نقش مؤثری در ارتباط با چگونگی مهاجرت به شهرها و میزان آن دارند. در قسمت مربوط به پیامدهای اجتماعی حاشیه‌نشینی، با تأکید عمده بر دیدگاه تدا رابرت گر، است که به محرومیت نسبی می‌پردازد. بر اساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران در ارتباط با عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی آن به ارائه مدل نظری تحقیق در ذیل پرداخته می‌شود:



منبع: نگارندگان
مدل نظری تحقیق

با توجه به مدل نظری فوق، مهمترین عامل مؤثر در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی، مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها می‌باشد که این نیز معلول عوامل گوناگونی همچون دافعه‌های اقتصادی محل سکونت قبلی، دافعه‌های اجتماعی- فرهنگی محل سکونت قبلی، جاذبه‌های اقتصادی شهر و جاذبه‌های اجتماعی- فرهنگی شهر می‌باشد و در نهایت مجموعه‌ی این عوامل به ایجاد و گسترش مناطق حاشیه‌نشین در شهرها منجر می‌شود که این خود نیز باعث افزایش میزان محرومیت نسبی حاشیه‌نشینان می‌شود و در نهایت به‌زعم اسکار لوئیس، مجموعه‌ی این عوامل به تولید و درونی شدن فرهنگ فقر در مناطق حاشیه‌نشین می‌انجامد. با این حال با توجه به مباحث نظری ارایه شده و مدل نظری تحقیق، سؤالات و فرضیه‌های تحقیق در زیر ارایه می‌شود.

سؤال‌های اصلی تحقیق

- ۱) مهمترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حاشیه‌نشینی کدامند؟
- ۲) مهمترین پیامد اجتماعی حاشیه‌نشینی چه می‌باشد؟

فرضیه‌های تحقیق

- بین دافعه‌های اقتصادی محل سکونت قبلی با حاشیه‌نشینی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین دافعه‌های اجتماعی- فرهنگی محل سکونت قبلی با حاشیه‌نشینی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین جاذبه‌های اقتصادی شهر با حاشیه‌نشینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- بین جاذبه‌های اجتماعی- فرهنگی شهر با حاشیه‌نشینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- شدت حاشیه‌نشینی موجب افزایش میزان محرومیت نسبی حاشیه‌نشینان می‌شود.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر با توجه به اینکه هدف سنجش عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی است، از روش پیمایش یا آنچه میلر مصاحبه‌ی شخصی نامیده است استفاده شده است. جامعه‌ی آماری در این تحقیق را حاشیه‌نشینان شهر اهواز تشکیل می‌دهند که بالغ بر ۱۲۰۰۰۰ نفر می‌باشند. در این تحقیق از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای (*Multistage cluster sampling*) استفاده شده است. لذا پس از محاسبه‌ی حجم نمونه، از بین کل مناطق حاشیه‌نشین اهواز (شلنگ‌آباد، سیاحیه، حصیرآباد، منبع آب و...) منطقه‌ی حاشیه‌نشین شلنگ‌آباد به‌عنوان نمونه‌ی تحقیق انتخاب شد و پرسشنامه‌ها به‌صورت تصادفی بین آنها توزیع و جمع‌آوری گردید. در این تحقیق با توجه به حجم جامعه و واریانس محاسبه شده برخی از متغیرهای مهم تحقیق در مرحله پیش‌آزمون، از فرمول کوکران برای برآورد

حجم نمونه استفاده شد. با توجه به اینکه حجم جامعه برابر با ۱۲۰۰۰۰ نفر می‌باشد با جایگزینی مقادیر فوق در فرمول برآورد حجم برآورد حجم نمونه، اندازه‌ی نمونه به قرار زیر محاسبه شد:

$$n = \frac{(1/96)^2 \cdot (0.5) \cdot (0.5)}{(0.05)^2} = 384$$

به منظور سنجش پایایی پرسشنامه‌ی تحقیق، مناسب‌ترین روش با توجه به استفاده از طیف ۵ درجه‌ای لیکرت، روش آلفای کرونباخ می‌باشد. انتخاب شده است. این روش با استفاده از رایانه و نرم‌افزار SPSS صورت گرفت که نتایج آن در جدول صفحه‌ی بعد آمده است.

آلفای محاسبه شده

محرومیت نسبی	جاذبه‌های اجتماعی - فرهنگی شهر	جاذبه‌های اقتصادی شهر	دافعه‌های اجتماعی- فرهنگی محل سکونت قبلی	دافعه‌های اقتصادی محل سکونت قبلی
۰/۷۲۷۲	۰/۸۳۵۲	۰/۷۴۷۲	۰/۷۲۱۱	۰/۷۸۹۷

طبق قاعده‌ی تجربی، آلفا دست‌کم باید ۰/۷ باشد تا بتوان مقیاس را دارای پایایی به شمار آورد (دوس، ۱۳۸۱: ۲۵۳). در این تحقیق میزان آلفای محاسبه‌شده اعداد بسیار مطلوبی هستند و نشان می‌دهد که گویه‌ها از همسازی و پایداری درونی بسیار بالایی برخوردارند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های این مطالعه در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفته است. در سطح آمار توصیفی با استفاده از شاخص‌های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد و در سطح استنباطی متناسب با سطح سنجش داده‌ها و مفروضات آزمون‌های آماری، از آزمون X^2 (کی دو یا کای اسکور) تک‌متغیره استفاده گردید. ابزار تجزیه و تحلیل، رایانه و نرم‌افزار SPSS for Windows Ver 13.5 است که با استفاده از جداول و نمودارها و آزمون‌های آماری موجود در آن اطلاعات خام پردازش گردید. همچنین از نرم‌افزارهای جانبی word و Excel جهت تایپ و ترسیم نمودارها استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

یکی از مهمترین قسمت‌های هر کار پژوهشی، تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده است، چرا که ممکن است عدم دقت در تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به نتیجه‌گیری‌های غلط و تعمیم نادرست آنها شود. به همین دلیل شایسته است که محقق با دقت و حوصله و با مشاوره‌ی اساتید و متخصصان آمار به تجزیه و تحلیل داده‌ها بپردازد.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات توصیفی

در مطالعه‌ی حاضر از کل نمونه‌ی آماری که بالغ بر ۳۸۴ نفر بود ۲۵۲ نفر یا ۶۵/۶ درصد پاسخگویان مردان و ۱۳۲ نفر یا ۳۴/۴ درصد پاسخگویان زنان بودند میانگین سن آنها ۳۶/۹ با حداقل ۱۶ و حداکثر ۷۵ بود. از نظر وضعیت تأهل، ۲۳/۷ درصد پاسخگویان مجرد، ۶۶/۱ درصد متأهل، ۶/۳ درصد مطلقه و ۳/۹ درصد را فوت همسر بودند. بر حسب بعد خانوار، ۲۹/۷ درصد از پاسخگویان بدون فرزند بودند که شامل همان افراد مجرد و یا زوج‌هایی که ازدواج کرده‌اند ولی هنوز صاحب فرزند نشده‌اند، می‌باشد و ۲۴ درصد پاسخگویان دارای ۱-۲ فرزند، ۲۲/۹ درصد دارای ۳-۴ فرزند، ۱۱/۲ درصد دارای ۵-۶ فرزند، ۷/۳ درصد دارای ۷-۸ فرزند و ۴/۹ درصد دارای بیش از ۸ فرزند بودند. از نظر تحصیلات، ۹/۱ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۱۳/۵ درصد پاسخگویان دارای سواد خواندن و نوشتن، ۵۹/۹ درصد پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی سیکل و دیپلم و ۱۷/۴ درصد دارای مدرک تحصیلی بالاتر از دیپلم بودند. از نظر نوع شغل، ۲/۱ درصد از پاسخگویان راننده، ۳/۹ درصد دستفروش، ۵/۲ درصد کشاورز، ۶/۳ درصد مغازه‌دار، ۱۹/۵ درصد کارمند، ۲۷/۸ درصد کارگر، ۳۵/۲ درصد بیکار بودند. با توجه به نوع مهاجرت، ۳۴/۴ درصد پاسخگویان از نوع مهاجر روستایی، ۳۱/۷ درصد از نوع مهاجر شهرستانی، ۱۱/۷ درصد از نوع مهاجر کشور دیگر (که عمدتاً از کشور عراق می‌باشد) و ۲۲/۲ درصد بومی بودند.

آمار استنباطی

در این بخش پس از شناسایی متغیرهای اصلی تحقیق به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته می‌شود تا نشان دهیم که کدامیک از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه‌ی معناداری دارند.

فرضیه‌ی اول :

بین دافعه‌ها اقتصادی محل سکونت قبلی‌شان با حاشیه‌نشینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. متغیر مستقل در این فرضیه دافعه‌های اقتصادی محل سکونت قبلی می‌باشد که شاخص‌های آن عبارتند از بیکاری در محل قبلی، درآمد کم، شغل نامناسب، عدم دسترسی به امکانات آموزشی، عدم دسترسی به امکانات رفاهی، نداشتن زمین، عدم دسترسی به راه‌های ارتباطی مناسب، مکانیزه شدن فعالیت‌های کشاورزی، کاهش منابع مالی و عدم توجه به بخش کشاورزی و فرار از شرایط سخت زندگی در محل قبلی و متغیر وابسته حاشیه‌نشینی می‌باشد. این فرضیه در این پژوهش مورد سنجش قرار گرفت و نتایج زیر حاصل شد:

آزمون شاخص‌های دافعه‌های اقتصادی محل سکونت قبلی

درجه معناداری Asymp.sig.	Chi-square	درجه آزادی df	میانگین	The observed N فراوانی داده‌های مشاهده شده					شاخص فراوانی
				خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
./۰۰۰	۵۱۷/۶۹	۴	۴/۴۲	۷	۸	۴۸	۷۳	۲۴۸	بیکاری در محل قبلی
./۰۰۰	۲۳۹/۴۶	۴	۳/۹۸	۷	۱۲	۸۱	۱۶۲	۱۲۲	درآمد کم
./۰۰۰	۲۶۸/۳۷	۴	۴/۱۱	۷	۳۰	۳۹	۱۴۴	۱۶۴	شغل نامناسب
./۰۰۰	۱۷۰/۰۱	۴	۳/۵۵	۱۱	۳۷	۱۵۹	۸۱	۹۶	عدم دسترسی به امکانات آموزشی
./۰۰۰	۱۱۹/۵۴	۴	۳/۵۱	۲۲	۵۴	۱۳۴	۵۴	۱۲۰	عدم دسترسی به امکانات رفاهی
./۰۰۰	۱۹۵/۶۶	۴	۲/۹۰	۱۹	۱۱۴	۱۶۴	۵۹	۲۸	نداشتن زمین
./۰۰۰	۱۰۱/۴۴	۴	۳/۱۶	۳۰	۱۰۶	۱۱۹	۲۸	۱۰۱	عدم دسترسی به راه‌های ارتباطی مناسب
./۰۰۰	۲۰۸/۳۷	۴	۲/۷۵	۳۸	۱۱۲	۱۷۲	۳۱	۳۱	مکانیزه شدن فعالیت‌های کشاورزی
./۰۰۰	۹۳/۶۳	۴	۲/۷۹	۵۴	۱۰۹	۱۳۴	۳۵	۵۲	کاهش منابع مالی و عدم توجه به بخش کشاورزی
./۰۰۰	۱۰۰/۲۴	۴	۳/۵۶	۲۷	۶۶	۵۲	۱۴۰	۹۹	فرار از شرایط سخت زندگی در محل قبلی

بر طبق اطلاعات جدول فوق، تمامی شاخص‌های مربوط به دافعه‌های اقتصادی، معنی‌دار بوده است و لذا بر متغیر حاشیه‌نشینی تأثیر داشته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بیکاری در محل قبلی (با متوسط ۴/۴۲)، شغل نامناسب (با متوسط ۳/۵۶)، عدم دسترسی به امکانات آموزشی (با متوسط ۳/۵۵)، عدم دسترسی به امکانات رفاهی (با متوسط ۳/۵۱)، عدم دسترسی به راه‌های ارتباطی مناسب (با متوسط ۳/۱۶)، نداشتن زمین (با متوسط ۲/۹۰)، کاهش منابع مالی و عدم توجه به بخش کشاورزی (با متوسط ۲/۷۹) و مکانیزه شدن فعالیت‌های کشاورزی (با متوسط ۲/۷۵) بر ایجاد و گسترش حاشیه‌نشینی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر سطح تفکیک شاخص‌ها و معنی‌دار بودن آنها، در سطح دیگری نیز شاخص‌های فوق در درون بعد قرار داده و از طریق بعد دافعه‌های اقتصادی محل سکونت قبلی ایجاد شد. سپس از آزمون X^2 تک‌متغیره جهت تأیید یا رد فرضیه استفاده شد و نتایج زیر حاصل شد که در جدول صفحه‌ی بعد می‌بینیم:

آزمون فرضیه‌ی اول

متغیر	کای اسکور (X^2) Chi-square	درجه آزادی df	سطح معنی‌داری Asymp.sig.
دافعه‌های اقتصادی محل سکونت قبلی	۱۸/۸۶۵	۴	۰/۰۰۱

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد مقدار (x^2) برابر با ۱۸/۸۶۵ درجه‌ی آزادی برابر با ۴ و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۱ می‌باشد. لذا با توجه به مقدار (x^2) و سطح معناداری آن می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه‌ی زیر: «بین دافع‌های اقتصادی محل سکونت قبلی و حاشیه‌نشینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.» تأیید می‌گردد.

فرضیه دوم :

بین دافع‌های اجتماعی- فرهنگی محل سکونت قبلی با حاشیه‌نشینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در این فرضیه، متغیر مستقل دافع‌های اجتماعی- فرهنگی محل سکونت قبلی می‌باشد که شاخص آن عبارتند از پایین بودن ارزش کار و زندگی، اختلافات و درگیری‌های قومی، دوری از اقوام و آشنایان، جنگ تحمیلی، عدم زمینه‌ی مناسب جهت رشد خلاقیت فردی، عدم زمینه‌ی مناسب جهت رشد شخصیت، عدم زمینه‌ی مناسب جهت ازدواج، عدم تحول و توسعه و پیشرفت و محیط بسته و ضعف ارتباطات فرهنگی- اجتماعی و متغیر وابسته هم حاشیه‌نشینی می‌باشد. این فرضیه نیز در این پژوهش مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن در جدول صفحه‌ی بعد نشان داده شده است.

آزمون شاخص‌های دافع‌های اجتماعی- فرهنگی محل سکونت قبلی

درجه معناداری Asymp.sig.	Chi-square	درجه آزادی df	میانگین	The observed N					شاخص فراوانی
				خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۰/۰۰۰	۲۹۰/۲۲	۳	۴/۴۱	--	۱۱	۵۰	۹۱	۲۳۲	پایین بودن ارزش کار و زندگی
۰/۰۰۰	۹۰/۰۱	۴	۳/۳۵	۶۱	۲۷	۸۳	۱۴۱	۷۲	اختلافات و درگیری‌های قومی
۰/۰۰۰	۱۱۷/۴۵	۴	۳/۷۳	۳۸	۲۳	۷۵	۱۱۵	۱۳۳	دوری از اقوام و آشنایان
۰/۰۰۰	۱۷۵/۵۵	۴	۳/۹۲	۲۳	۱۹	۷۸	۱۰۸	۱۵۶	جنگ تحمیلی
۰/۰۰۰	۱۹۶/۶۴	۳	۳/۳۰	--	۶۹	۲۰۹	۲۴	۸۲	عدم زمینه‌ی مناسب جهت رشد خلاقیت فردی
۰/۰۰۰	۱۵۵/۲۷	۳	۳/۲۷	--	۸۱	۱۹۵	۲۸	۸۰	عدم زمینه‌ی مناسب جهت رشد شخصیت
۰/۰۰۰	۲۰۲/۵۳	۴	۲/۷۷	۲۷	۱۸۲	۸۲	۳۸	۵۵	عدم زمینه‌ی مناسب جهت ازدواج
۰/۰۰۰	۱۹۲/۵۶	۴	۲/۹۵	۱۵	۲۲	۱۵۹	۴۱	۴۷	عدم تحول و توسعه و پیشرفت
۰/۰۰۰	۶۲/۴۳	۴	۳/۲۶	۲۳	۹۱	۹۴	۱۱۲	۶۴	محیط بسته و ضعف ارتباطات فرهنگی- اجتماعی

بر طبق جدول فوق، تمامی شاخص‌های مربوط به دافعه‌های اجتماعی- فرهنگی معنادار بوده و لذا بر متغیر حاشیه‌نشینی تأثیر داشته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پایین بودن ارزش کار و زندگی (با متوسط ۴/۴۱)، جنگ تحمیلی (با متوسط ۳/۹۲)، دوری از اقوام و آشنایان (با متوسط ۳/۷۳)، اختلافات و درگیری‌های قومی (با متوسط ۳/۳۵)، عدم زمینه‌ی مناسب جهت رشد خلاقیت فردی (با متوسط ۳/۳۰)، عدم زمینه‌ی مناسب جهت رشد شخصیت (با متوسط ۳/۲۷)، محیط بسته و ضعف ارتباطات فرهنگی- اجتماعی (با متوسط ۳/۲۶)، عدم تحول و توسعه و پیشرفت (با متوسط ۲/۹۵) و عدم زمینه‌ی مناسب جهت ازدواج (با متوسط ۲/۷۷) بر ایجاد و گسترش حاشیه‌نشینی تأثیر می‌گذارد.

علاوه بر سطح تفکیک شاخص‌ها و معنی‌دار بودن آنها در سطح دیگری نیز، شاخص‌های فوق در درون بعد قرار داده و از این طریق بعد دافعه‌های اجتماعی- فرهنگی محل سکونت قبلی ایجاد شد. سپس جهت تأیید یا جهت رد فرضیه از آزمون (X^2) تک متغیره استفاده شد که نتایج آن در جدول صفحه‌ی بعد ارایه شده است.

آزمون فرضیه‌ی دوم

متغیر	کای اسکور (X^2) Chi-square	درجه آزادی df	سطح معنی‌داری Asymp.sig.
دافعه‌های اجتماعی- فرهنگی محل سکونت قبلی	۳۷۷/۵۳۶	۴	۰/۰۰۰

بر اساس جدول فوق مقدار (X^2) برابر با ۳۷۷/۵۳۶، درجه آزادی آن برابر با ۴ و سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد. بنابراین با توجه به مقدار (X^2) و سطح معناداری آن می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه‌ی زیر: «بین دافعه‌های اجتماعی- فرهنگی محل سکونت قبلی و حاشیه‌نشینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.» تأیید می‌گردد.

فرضیه‌ی سوم:

بین جاذبه‌های اقتصادی شهر، با حاشیه‌نشینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. متغیر مستقل در این فرضیه، جاذبه‌های اقتصادی شهر می‌باشد که شاخص‌های آن عبارتند از دستیابی به شغل بهتر، ارزانی زمین و خانه در این محل، درآمد بیشتر، دسترسی به امکانات آموزشی، دسترسی به امکانات رفاهی و نزدیکی به محل کار و متغیر وابسته هم حاشیه‌نشینی می‌باشد. جدول زیر نتایج سنجش این فرضیه در این پژوهش را نشان می‌دهد.

آزمون شاخص‌های جاذبه‌های اقتصادی شهر

درجه معناداری Asymp.sig.	Chi-square	درجه آزادی df	میانگین	The observed N فراوانی داده‌های مشاهده شده					فراوانی شاخص
				خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۰/۰۰۰	۲۲۹/۶۸	۳	۴/۲۳	--	۱۹	۹۰	۵۸	۲۱۷	دستیابی به شغل بهتر
۰/۰۰۰	۴۶/۶۵	۴	۳/۲۶	۴۵	۷۶	۶۶	۱۲۶	۷۱	ارزیابی زمین و خانه در این محل
۰/۰۰۰	۱۳۶/۳۳	۴	۳/۷۳	۱۵	۲۸	۱۰۸	۱۲۵	۱۰۸	کسب درآمد بیشتر
۰/۰۰۰	۱۱۷/۹۷	۴	۳/۱۶	۱۹	۸۹	۱۴۹	۶۲	۶۵	دسترسی به امکانات آموزشی
۰/۰۰۰	۹۰/۷۱	۴	۳/۱۳	۳۰	۹۱	۱۳۸	۴۸	۷۷	دسترسی به امکانات رفاهی
۰/۰۰۰	۱۱۳/۵۰	۴	۲/۷۱	۶۳	۱۵۱	۷۵	۲۲	۷۳	نزدیکی به محل کار

بر اساس جدول فوق، تمامی شاخص‌های مربوط به جاذبه‌های اقتصادی شهر، معنی دار بوده و لذا بر حاشیه‌نشینی تأثیر داشته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دستیابی به شغل بهتر (با متوسط ۴/۲۳)، کسب درآمد بیشتر (با متوسط ۳/۷۳)، ارزانی زمین و خانه در این محل (با متوسط ۳/۲۶)، دسترسی به امکانات آموزشی (با متوسط ۳/۱۶)، دسترسی به امکانات رفاهی (با متوسط ۳/۱۳) و نزدیکی به محل کار (با متوسط ۲/۷۹) بر ایجاد و گسترش حاشیه‌نشینی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر ارایه‌ی شاخص‌های جاذبه‌های اقتصادی شهر و معنی‌دار بودن آنها، در سطح دیگری نیز شاخص‌های فوق‌سنجیده شد. بدین معنی که از مجموع این شاخص‌ها، بعد جاذبه‌های اقتصادی شهر ایجاد شد و سپس جهت تأیید یا رد فرضیه از آزمون (X^2) تک متغیره استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر می‌بینیم.

آزمون فرضیه‌ی سوم

سطح معنی‌داری Asymp.sig.	درجه آزادی df	کای اسکور (X^2) Chi-square	متغیر
۰/۰۰۰	۴	۱۹۱/۷۸۱	جاذبه‌های اقتصادی شهر

بر اساس جدول فوق مقدار (X^2) برابر با ۱۹۱/۷۸۱، درجه‌ی آزادی آن برابر با ۴ و سطح معنی‌داری آن برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد. بنابراین با توجه به مقدار (X^2) و سطح معناداری آن می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه‌ی زیر: «بین جاذبه‌های اقتصادی شهر و حاشیه‌نشینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.» تأیید می‌گردد.

فرضیه‌ی چهارم:

بین جاذبه‌های اجتماعی- فرهنگی شهر با حاشیه‌نشینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در این فرضیه، متغیر مستقل جاذبه‌های اجتماعی- فرهنگی شهر بوده که شاخص‌های آن عبارتند از: تشویق دوستان، ازدواج، ارتباطات عاطفی با خویشاوندان، انتقال اداری، برخورداری از احترام ارزش بیشتر و متغیر وابسته حاشیه‌نشینی می‌باشد. در این پژوهش، تأثیر متغیر جاذبه‌های اجتماعی- فرهنگی شهر نیز بر ایجاد و گسترش حاشیه‌نشینی مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج آن در جدول صفحه‌ی بعد ارائه شده است.

آزمون شاخص‌های جاذبه‌های اجتماعی- فرهنگی شهر

درجه معناداری Chi- Asymp.sig.	Chi- square	درجه آزادی df	میانگین	The observed N					فراوانی شاخص
				فراوانی داده‌های مشاهده شده					
				خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۰/۰۰۰	۴۵۱/۱۵	۴	۴/۳۱	۴	۳۷	۳۱	۷۵	۲۳۷	تشویق دوستان
۰/۰۰۰	۶۴/۷۷	۴	۳/۲۱	۳۱	۱۱۷	۷۸	۵۴	۱۰۴	ازدواج
۰/۰۰۰	۱۶۵/۹۷	۴	۳/۸۲	۱۹	۳۱	۶۶	۱۵۲	۱۱۶	ارتباطات عاطفی با خویشاوندان
۰/۰۰۰	۸۲/۷۷	۴	۲/۴۵	۱۰۵	۱۳۰	۶۷	۳۵	۴۷	انتقال اداری
۰/۰۰۰	۱۰۰/۳۲	۴	۳/۶۷	۳۳	۳۱	۸۱	۱۲۳	۱۱۶	برخورداری از احترام و ارزش بیشتر

بر طبق اطلاعات جدول صفحه‌ی قبل، تمامی شاخص‌های مربوط به جاذبه‌های اجتماعی- فرهنگی شهر، معنی‌دار بوده و لذا بر حاشیه‌نشینی تأثیر داشته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تشویق دوستان (با متوسط ۴/۳۱)، ارتباطات عاطفی با خویشاوندان (با متوسط ۳/۸۲)، برخورداری از احترام و ارزش بیشتر (با متوسط ۳/۶۷)، ازدواج (با متوسط ۳/۲۱) و انتقال اداری (با متوسط ۲/۴۵) بر ایجاد و گسترش حاشیه‌نشینی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر ارائه‌ی شاخص‌های جاذبه‌های اجتماعی- فرهنگی شهر و معنی‌دار بودن آنها، در سطح دیگری نیز شاخص‌های فوق سنجیده شد. بدین معنی که از مجموع این شاخص‌ها، بعد جاذبه‌های اجتماعی- فرهنگی شهر ایجاد شد و سپس جهت تأیید یا رد فرضیه از آزمون (X^2) تک متغیره استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آورده شده است.

آزمون فرضیه‌ی چهارم

متغیر	کای اسکور (χ^2) Chi-square	درجه آزادی df	سطح معنی‌داری Asymp.sig.
جاذبه‌های اجتماعی- فرهنگی شهر	۲۰۳/۹۷۹	۳	۰/۰۰۰

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد مقدار (χ^2) برابر با ۲۰۳/۹۷۹، درجه آزادی برابر با ۳ و سطح معنی‌داری آن برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد. بنابراین با توجه به مقدار (χ^2) و سطح معنی‌داری آن می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه‌ی زیر: «بین جاذبه‌های اجتماعی- فرهنگی شهر و حاشیه‌نشینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.» تأیید می‌گردد.

فرضیه‌ی پنجم:

شدت حاشیه‌نشینی موجب افزایش میزان محرومیت نسبی حاشیه‌نشینان می‌شود. متغیر مستقل در این فرضیه، حاشیه‌نشینی و متغیر وابسته دینداری می‌باشد. این مقوله نیز در این پژوهش مورد سنجش قرار گرفت و نتایج آن در صفحه‌ی بعد نشان داده شده است:

آزمون گویه‌های محرومیت نسبی

درجه معناداری Asymp.sig.	Chi-square	درجه آزادی df	میانگین	The observed N فراوانی داده‌های مشاهده شده					شاخص فراوانی
				خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۰/۰۰۰	۱۳۳/۹۴	۴	۳/۳۴	۲۰	۵۸	۱۲۳	۱۳۷	۴۶	وقتی منطقه محل سکونت خود را با دیگران مقایسه می‌کنید امکاناتی که به منطقه زندگی شما اختصاص داده شده تا چه اندازه کمتر یا بیشتر از مناطق دیگر می‌باشد؟
۰/۰۰۰	۱۴۷/۵۸	۴	۳/۲۹	۱۲	۷۰	۱۳۵	۱۲۶	۴۱	وقتی وضعیت اقتصادی خود را با دیگران مقایسه می‌کنید، در مجموع تا چه اندازه خود را جلوتر یا عقب‌تر از دیگران می‌دانید؟
۰/۰۰۰	۱۷۰/۵۵	۴	۳/۶۲	۱۱	۴۰	۱۰۲	۱۵۹	۷۲	در کل هنگام مقایسه خود با دیگران احساس می‌کنید تا چه اندازه خود را جلوتر یا عقب‌تر از دیگران می‌دانید؟

بر اساس جدول فوق، تمامی گویه‌های مربوط به محرومیت نسبی، معنی‌دار بوده و لذا متغیر حاشیه‌نشینی باعث افزایش میزان محرومیت نسبی حاشیه‌نشینان می‌شود. بطوری‌که

متوسط میزان محرومیت نسبی پاسخگویان از نظر مقایسه وضعیت کلی خود با دیگران (۳/۶۲) و از نظر مقایسه امکانات محل سکونت خود با دیگران (۳/۳۴) و از نظر مقایسه وضعیت اقتصادی خود با دیگران (۳/۲۹) می‌باشد. بنابراین میزان محرومیت در بین پاسخگویان بالا می‌باشد.

علاوه بر ارایه‌ی گویه‌های مربوط به محرومیت نسبی و معنی‌دار بودن آنها، در سطح دیگری نیز گویه‌های فوق سنجیده شد. بدین معنی که همه گویه‌ها را در درون بعد قرار داده و از این طریق بعد محرومیت نسبی ایجاد شد و سپس جهت تأیید یا رد حاشیه‌نشینی بر افزایش میزان محرومیت نسبی از آزمون (X^2) تک متغیره استفاده گردید که نتایج آن در جدول صفحه‌ی بعد ارایه شده است:

آزمون فرضیه‌ی پنجم

متغیر	کای اسکور (X^2) Chi-square	درجه آزادی df	سطح معنی‌داری Asymp.sig.
محرومیت نسبی	۲۸۵/۱۹۳	۴	۰/۰۰۰

بر اساس جدول فوق، مقدار (X^2) برابر با ۲۸۵/۱۹۳، درجه‌ی آزادی برابر با ۴ و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد. لذا با توجه به مقدار (X^2) و سطح معناداری آن می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه‌ی زیر: «شدت حاشیه‌نشینی، موجب افزایش میزان محرومیت نسبی حاشیه‌نشینان می‌شود.» تأیید می‌گردد.

نتیجه‌گیری

شهر به مثابه‌ی کالبدی که امروزه زندگی بیشتر ساکنان کره‌ی زمین را در بر گرفته است، خود به عنوان واقعیتی است که ساخته‌ی انسان است و همچون هر پدیده‌ی اجتماعی دیگری که حاصل کنش‌های انسانی است، بر زندگی و حیات جمعی و فردی انسان‌ها مؤثر می‌باشد؛ بطوری‌که این مجموعه‌ی تأثیرات، چهره‌ی شهرها را با نوعی تناقض همراه ساخته است. در زمان فعلی، جامعه‌ی شهری ایران، بخصوص شهرهای بزرگ گرچه می‌تواند به توسعه‌ی انسانی یاری رسانند، اما از سویی دیگر محدودکننده‌ی توسعه‌ی انسانی هستند. شهرها مرکز تنوع و فراوانی نعمتند. ما در شهرهایمان می‌توانیم بهترین خدمات اجتماعی موجود را دریابیم. اما همین شهرها، همزمان محیطی مناسب جهت شکل‌گیری آسیب‌ها و مسایل شهری می‌باشد.

در حال حاضر، یکی از مهمترین مسایل اجتماعی جامعه‌ی شهری، پیدایش و رشد گسترده‌ی حاشیه‌نشینی می‌باشد که معلول عوامل گوناگونی است بطوری که در وهله‌ی اول، برآیند مهاجرت‌های مداوم داخلی، یعنی از روستاها و محیط‌های کوچک به شهرها می‌باشد. بدین معنی که حاشیه‌نشینان عمدتاً از مهاجرین روستایی و شهرهای کوچک هستند و حاشیه‌نشینی نوعی تطابق اجتماعی- اقتصادی با نظام اقتصادی- اجتماعی شهر است؛ بطوری که ساختار اقتصادی شهر، نیروی کار حاشیه‌نشینان را به کار می‌گیرد و در مقابل امکان استفاده‌ی محدودی از تسهیلات شهری را برای آنها به وجود می‌آورد. اما حاشیه‌نشینان از جمعیت موفق شهر جدا هستند و جامعه‌ای در جامعه‌اند.

در این پژوهش جهت بررسی «عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی» نظریات برخی اندیشمندان به معرض آزمون گذاشته شد. بطوری که از بین کل مناطق حاشیه‌نشین اهواز، منطقه شلنگ‌آباد به عنوان منطقه مورد مطالعه در نظر گرفته شد و سعی شد با رویکردی جامعه‌شناختی و با تأکید بر دیدگاه‌های رابرت پارک، ایورت استونکویست، پل میدوز، مانوئل کاستلز و آندره‌گوندرفرانک به بررسی مهمترین عامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی یعنی مهاجرت پرداخته شود. در حوزه‌ی نظریه‌های مهاجرت، از نظریه‌ی «جاذبه و دافعه‌ی» اورت‌لی مدد گرفته شد. لازم به توضیح است که جهت سنجش این نظریه، جاذبه‌ها و دافعه‌های مؤثر بر مهاجرت، به چهارگونه‌ی دافعه‌های اقتصادی محل سکونت قبلی، دافعه‌های اجتماعی- فرهنگی محل سکونت قبلی، جاذبه‌های اقتصادی شهر و جاذبه‌های اجتماعی- فرهنگی شهر تقسیم شدند. همچنین در ارتباط با «پیامدهای اجتماعی حاشیه‌نشینی» از دیدگاه‌های رابرت‌گر و اسکار لوئیس استفاده شد. بطوری که از نظر این اندیشمندان، افزایش میزان محرومیت نسبی و حاکم شدن فرهنگ فقر از مهمترین پیامدهای اجتماعی حاشیه‌نشینی می‌باشند. در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که مهاجرت یکی از مهمترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین می‌باشد که خود تحت تأثیر دافعه‌های اقتصادی محل سکونت قبلی، دافعه‌های اجتماعی- فرهنگی محل سکونت قبلی، جاذبه‌های اقتصادی شهر و جاذبه‌های اجتماعی- فرهنگی شهر می‌باشد. همچنین مشخص شد که یکی از مهمترین پیامدهای اجتماعی حاشیه‌نشینی افزایش میزان محرومیت نسبی حاشیه‌نشینان می‌باشد که در مجموع باعث حاکم شدن فرهنگ فقر در منطقه‌ی حاشیه‌نشین می‌شود.

پیشنهادها و راهکارها

بطور کلی به نظر می‌رسد مسأله‌ی حاشیه‌نشینی را باید هم مداوا کرد و هم پیشگیری. مداوا در مورد حاشیه‌نشینی است که اکنون در مناطق حاشیه‌نشین هستند و پیشگیری در مورد

مهاجرانی است که اگر روند کنونی ادامه یابد تبدیل به حاشیه‌نشینان شهری در آینده خواهند شد. در مورد مداوا باید علاوه بر کمک برای تهیه مسکن مناسب‌تر اقداماتی نیز باید جهت بدست آوردن مشاغل بهتر حداقل برای نسل دوم این خانواده‌ها انجام داد. این اقدامات شامل موارد زیر می‌باشد:

- ۱- آموزش فنون و مهارت‌های فنی لازم برای به‌دست آوردن مشاغل مناسب و دائمی؛
 - ۲- ایجاد دسترسی به منابع اعتباری و خرده‌وام، به ویژه برای شاغلین در بخش غیررسمی؛
 - ۳- زمینه‌سازی و تشویق بخش خصوصی و عمومی در عرضه مسکن ارزان‌قیمت و اعطای وام‌های مربوطه به‌همراه برقراری بیمه‌ای آنها به‌دلیل کاهش ریسک عدم‌بازگشت سرمایه‌گذاری؛
 - ۴- ارتقاء نهاد تعاونی‌های مسکن با همکاری وزارت‌خانه‌های تعاون، کار و امور اجتماعی، مسکن و شهرسازی؛
 - ۵- توجه ویژه به حقوق زنان و کودکان و فعال نمودن آنها در اقدامات بهسازی منطقه؛
 - ۶- تأکید بر پروژه‌های آموزش حرفه‌ای و کاریابی، مرکز راهنمایی بهداشتی و تنظیم خانواده، مهدکودک و احداث فضای جمعی در مناطق حاشیه‌نشین؛
- بنابراین باید توجه داشت که رفع مسایل و مشکلات مربوط به حاشیه‌نشینی، عزم ملی را می‌طلبد؛ بدین معنی که رفع معضلات مربوط به مناطق حاشیه‌نشین از توان یک ارگان و یا یک نهاد خارج است.

باید توجه داشت که راه‌حل اساسی درمان مسأله نیست بلکه پیشگیری است. به نظر می‌رسد در این زمینه باید اقدامات زیر انجام گیرد:

- ۱- تأمین حداقل مطلوب اشتغال در نقاط روستایی و شهرهای کوچک و متوسط؛
- ۲- بالا بردن سطح رفاه و بهداشت محیط زیست در روستاها و محیط‌های کوچک شهری؛
- ۳- جلوگیری از تمرکز صنایع و کارخانجات و سازمان‌های دولتی با اجرای سیاست عدم تمرکز در شهرهای بزرگ؛
- ۴- کمک به رشد اقتصاد و کشاورزی نظیر بالا بردن اعتبارات کشاورزی؛
- ۵- تدوین استراتژی بلندمدت درون‌زای منطقه و تغییر بنیادی اقتصاد منطقه، خصوصاً گرایش به تولید و حذف واسطه‌گری شهری و اصلاح الگوی مصرف در منطقه؛
- ۶- مطالعه‌ی جامع پدیده‌ی مهاجرت با تأکید بر مهاجرت‌های روستا - شهری و شهر به منظور شناخت دقیق‌تر عوامل برانگیزاننده مهاجرتی؛

و در پایان باید توجه داشت که برنامه‌های بهسازی و جلوگیری از رشد مناطق حاشیه‌نشین باید بطور همزمان مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر در راستای توجه به برنامه‌های بهسازی، تأکید بر راهبردهای مؤثر در جلوگیری از رشد مناطق حاشیه‌نشین ضروری می‌باشد.

منابع و مأخذ:

- ۱- امکچی، حمیده (۱۳۸۱): *ابزارهای حقوقی و قانونی مؤثر بر برون‌فکنی جمعیت و بروز حاشیه‌نشینی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور*. فصلنامه‌ی هفت‌شهر. سال سوم. شماره‌ی نهم و دهم.
- ۲- ایترن، استانلی و همکاران (۱۳۸۲): *درآمدی بر جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی*. ترجمه‌ی جواد افشارکهن. تهران. نشر سایه‌ی هور. چاپ اول.
- ۳- برآبادی، محمود (۱۳۸۱): *حاشیه‌نشینی پدیده‌ای به قدمت شهرنشینی*. ماهنامه‌ی شهرداری‌ها. سال چهارم. شماره‌ی ۴۵.
- ۴- پیران، پرویز (۱۳۶۷-۱۳۶۶): *شهرنشینی شتابان و ناهمگون: مسکن نابهنجار*. ماهنامه‌ی اطلاعات سیاسی-اقتصادی. شماره‌ی ۲۴-۱۴.
- ۵- پیران، پرویز (۱۳۸۰): *اجتماعات آلونکی، پدیده‌ای فراتر از حاشیه و حاشیه‌نشینی*. ماهنامه‌ی شهرداری‌ها، سال سوم، شماره‌ی ۳۰.
- ۶- جهاد دانشگاهی خوزستان (۱۳۸۰): *بررسی شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی شهر اهواز*. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان.
- ۷- حسین‌زاده‌ی دلیر، کریم (۱۳۷۰): *حاشیه‌نشینی: در جستجوی معنی و مفهوم*. اطلاعات سیاسی-اقتصادی. شماره‌ی ۴۶-۴۵.
- ۸- دراکاکیس اسمیت، دیوید (۱۳۷۷): *شهر جهان سومی*. چاپ اول. ترجمه‌ی فیروز جمالی. تهران. نشر توسعه.
- ۹- دواس، دی.ای (۱۳۸۱): *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه‌ی هوشنگ ناییبی. تهران. نشر نی.
- ۱۰- دیکنز، پیتر (۱۳۷۷): *جامعه‌شناسی شهری: جامعه، اجتماع محلی و طبیعت انسانی*. ترجمه‌ی حسین بهروان. مشهد انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۱- ربانی، رسول و دیگران (۱۳۸۱): *حاشیه‌نشینی، مشارکت و مسایل اجتماعی شهری*. فصلنامه‌ی فرهنگ اصفهان. شماره‌ی ۲۳ و ۲۴.
- ۱۲- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷): *توسعه و تضاد*. انتشارات علمی. تهران.
- ۱۳- رضوی، سیدحسین (۱۳۸۲): *روستا، فقر، توسعه*. چاپ اول. نشر فرازان. تهران.
- ۱۴- زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۶۹): *حاشیه‌نشینی*. چاپ اول. دانشگاه شیراز. شیراز.
- ۱۵- شکویی، حسین (۱۳۵۴): *حاشیه‌نشینان شهری، خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن*. مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی. تبریز.
- ۱۶- عابدین درکوش، سعید (۱۳۷۲): *درآمدی به اقتصاد شهری*. چاپ دوم. مرکز نشر دانشگاهی. تهران.

- ۱۷- گر، تدا رابرت (۱۳۷۷): *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*. ترجمه علی مرشدی‌زاده. تهران. پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- ۱۸- گیلبرت، آلن و ژوزف گاگلر (۱۳۷۵): *شهرها، فقر و توسعه شهرنشینی در جهان سوم*. ترجمه‌ی پرویز کریمی ناصری. انتشارات روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری تهران. تهران.
- ۱۹- لاین، ژان (۱۳۵۹): *جامعه‌شناسی فقر*. انتشارات خوارزمی. ترجمه‌ی جمشید بهنام. تهران.
- ۲۰- لوئیس، اسکار (۱۳۵۴): *فرزندان سانچز*. ترجمه‌ی حشمتا... کامرانی. چاپ سوم. انتشارات جاویدان.
- ۲۱- لوئیس، اسکار (۱۳۵۴): *فرهنگ فقر و شناخت آن*. چاپ اول. انتشارات نوبل. ترجمه‌ی رجبعلی جاسبی. تبریز.
- ۲۲- مجله‌ی جهاد، (۱۳۶۶): *تعریف و مفهوم حاشیه‌نشینی و گسترش حاشیه‌نشینی در جهان*. نشریه‌ی جهاد سازندگی. سال هشتم. شماره‌ی ۱۰۴.
- ۲۳- منصوریان، محمدکریم و علیرضا آیت‌اللهی (۱۳۵۶): *حاشیه‌نشینیان شیراز*. شیراز. دانشگاه شیراز.
- ۲۴- نیرومند، مصطفی و محمدرضا حسینی‌کازرونی (۱۳۵۲): *حاشیه‌نشینیان اهواز*. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران. تهران.
- ۲۵- هولندر، ادوین پل (۱۳۷۸): *روان‌شناسی اجتماعی: رهبری و قدرت تأثیر ارتباط جمعی بر افکار عمومی و فعالیت سیاسی*. ترجمه‌ی احمد رضوانی. مشهد. نشر شرکت به‌نشر.
- 26- Clinard, Marshal. B, (1966), *Slum and Community Development*, The free Press, New york.
- 27- Park, Robert E, (1928), *Human migration and marginal man*, American Journal of sociology. Vol. 33.